

تحلیل تولیدات کارگاه‌های شاخص سفال امروز مازندران از منظر هویت بومی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸

فاطمه پوریوسفی**، مجتبی قربانی شاه‌کوچکی***

چکیده

هنر اقوام مختلف به‌خصوص در زمینه تولید صنایع دستی، همواره یکی از اصلی‌ترین عوامل شکل‌گیری فرهنگ در یک قوم محسوب می‌شود و سرمایه‌ها به‌عنوان زیر مجموعه‌ای از صنایع دستی، نشان‌دهنده فرهنگ مردم یک منطقه‌اند. منطقه مازندران که به واسطه شاخصه‌های محیطی‌اش شناخته می‌شود، دارای گستره فرهنگی غنی است که از دیرباز سفالگری در آن شکل گرفته، اما به نظر می‌رسد علی‌رغم وجود کارگاه‌های متعدد سفالگری در منطقه، تولیدات سفال با ویژگی‌های هویتی مازندران تناسبی ندارند همین موضوع ضرورت آسیب‌شناسی و بررسی شرایط کارگاه‌های مربوطه را سبب ساخته است. هدف از انجام این پژوهش بازشناسی تولیدات کارگاهی سفال امروز مازندران از منظر هویت بومی با رویکرد آسیب‌شناسی این آثار بوده است. پژوهش مذکور از زیر مجموعه پژوهش‌های کاربردی بوده است و از جنبه ماهیت و روش جزء تحقیقات توصیفی و تحلیلی قرار دارد. شیوه گردآوری اطلاعات این تحقیق شامل مطالعات کتابخانه‌ای (منابع مکتوب و اینترنتی) و تحقیق میدانی شامل مشاهده و مصاحبه با کارگاه‌ها و نواحی تولید در منطقه مورد پژوهش است. پس از آشنایی با هویت، فرهنگ، قومیت و اکولوژی مازندران و شناخت ویژگی‌های طبیعی این منطقه و در نهایت بررسی آثار تولید شده در کارگاه‌های شاخص این استان، مشخص شد روند تولید سرمایه با آسیب‌هایی مواجه هست که از آن جمله می‌توان به افزایش سفالگران غیر بومی، کم‌رنگ شدن نقش سفالگران سنتی، افزایش تولیداتی با هویت غیر بومی و تغییر ذائقه خریداران سفال اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: سفال، مازندران، هویت بومی، تولیدات کارگاهی.

* مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «آسیب‌شناسی تولیدات کارگاه‌های شاخص سفال امروز مازندران از منظر هویت بومی» است که با راهنمایی نگارنده دوم در دانشگاه سوره ارائه شده است.

** کارشناس ارشد هنر اسلامی، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران.

Email: fatemehpouryousefi@gmail.com

*** دکترای پژوهش هنر، مدرس گروه صنایع دستی و هنر اسلامی، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: kargahehasti@gmail.com

مقدمه

فرهنگ بومی در هر منطقه با سبک و روش زندگی ساکنان آن ارتباط مستقیم دارد. این پیوند در عرصه تولیدات هنرهای سنتی به خوبی قابل رؤیت است و انعکاس آن در خلق آثار هنری، جلوه‌گری می‌کند. مازندران به دلیل دارا بودن زیست‌بوم طبیعی و شاخص‌های هویتی و قومی با دیگر مناطق ایران متمایز شده است. با این وجود در زمینه تولید آثار سرامیکی در میان هنرمندان بومی و غیر بومی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل ضرورت آسیب‌شناسی و تحقیق شرایط منطقه‌ای کارگاه‌های مربوطه را فراهم ساخت. نگارنده بر آن است تا به بازبینی تولیدات کارگاهی سفال مازندران در عصر حاضر را از بیا نگاهی بر هویت بومی و آسیب‌شناسی تولیدات این کارگاه‌ها که هدف اصلی این پژوهش است بپردازد. در این پویه سعی می‌شود که در راستای هدف پژوهش، به بررسی آثار تولید شده و مؤلفه‌های بومی در قالب یک اثر عینی پرداخته شود؛ لذا مهم‌ترین پرسش این گفتار عبارت است از:

— چه عواملی چالش‌های کارگاه‌های شاخص سفال مازندران در تولید محصولات از منظر هویت بومی را شکل می‌دهند؟ در این پژوهش پس از مشاهده صنایع دستی سفالی این منطقه نگارنده سعی در بررسی و شناسایی مشکلات و آسیب‌های این تولیدات می‌باشد.

رویکرد تحقیق بر اساس هدف کاربردی و بر اساس ماهیت و روش، توصیفی تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات این تحقیق شامل مطالعات کتابخانه‌ای (منابع مکتوب و اینترنتی)، و تحقیق میدانی شامل مشاهده مستقیم و مصاحبه با کارگاه‌ها و نواحی تولید در منطقه مورد پژوهش است. در بخش تولیدکنندگان از بین لیست ۲۸۰ کارگاهی که میراث فرهنگی در اختیار نگارنده گذاشت، ۳۰ کارگاه به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. در بین فروشندگان و مصرف‌کنندگان نیز، چون صنف مشخصی وجود نداشت و همین‌طور به خاطر شرایط به وجود آمده به واسطه بیماری کووید ۱۹ و دسترسی دشوار به تمامی فروشگاه‌ها، ۱۷ فروشگاه به صورت اتفاقی انتخاب شدند که در طی بازدید از آن‌ها ۱۶ نفر خریدار به صورت احتمالی و به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند.

پیشینه پژوهش

مازندران به سبب پیشینه غنی، به عنوان یکی از نواحی مهم تولید سفال همچنان مورد توجه پژوهشگران بوده است و بدین‌سو

جهات مختلف آن نظیر تاریخچه، سفالینه‌های ساخته شده و همچنین هویت بومی ساکنان آن در ارتباط با ساخت سفال‌ها، مورد ارزیابی قرار گرفته است. برای فهم بهتر پیشینه تحقیق و توضیح پیرامون مطالعات صورت گرفته مطالب به دو بخش کلی زیر تقسیم‌بندی و ارائه شده است.

۱. منابع مرتبط با بوم‌شناسی، بوم‌شناسی فرهنگی و سفال بومی در خصوص منابع مطالعه شده ضیائی، مجید (۱۳۹۷) در پایان نامه «آسیب‌شناسی فرایند طراحی و تولید سفال بومی در ایران از منظر زیست‌محیطی؛ مطالعه موردی سفال گیلان» در صدد آسیب‌شناسی فرایند طراحی و تولید سفال بومی گیلان با رویکرد زیست‌محیطی بر آمده است. همچنین کفیلی، نگار و سامانیان، صمد (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان «بازشناسی سفال بومی ایران با رویکرد بوم‌شناسی فرهنگی» به بازشناسی سفال بومی ایران با رویکرد بوم‌شناسی فرهنگی در استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کردستان، گیلان و مازندران پرداخته است. بتر بری، سایمون (۱۳۸۳) نیز در مقاله «بوم‌شناسی فرهنگی و منتقدین آن» به تعریف واژه بوم‌شناسی و بوم‌شناسی فرهنگی پرداخته است.

۲. منابع مرتبط با پیشینه سفال مازندران

داودی بزاستانی، هاجر (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی ویژگی‌های سفال و سرامیک امروز گیلان و مازندران» به بررسی ویژگی‌های سفال و سرامیک امروز گیلان و مازندران پرداخته است. همچنین شاهسوارانی، وحید و صفا کیش، حمیدرضا (۱۳۹۴) نیز در مقاله «چیستی و ماهیت سفال منصوب به نوع آمل» و نیز براری، میثم (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی سفالینه‌های طبرستان قرون ۴ و ۵ ه. ق و الهام از طراحی و تکنیک آن جهت کاربرد امروزی» به بررسی روش و شیوه اجرای این سفالینه‌ها همت گمارده‌اند. عباس‌نژاد سرستی، رحمت، حمزه علیپور، بهاره (۱۳۹۱) در مقاله «هنر و صنعت سفالگری تبرستان کهن: مطالعه‌ی موردی سفال نوع آمل» به معرفی سفال‌کننده و زیر لعاب نوع آمل و بررسی سیر تاریخی و تغییر و تحول فنی آن پرداختند. بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد تا کنون پژوهشی مشابه با پژوهش پیش رو در خصوص آسیب‌شناسی تولیدات کارگاه‌های شاخص سفال امروز مازندران از منظر هویت بومی صورت نگرفته، لذا با پاسخ‌گویی به مسئله این پژوهش می‌توان کمک شایانی به رفع آسیب‌ها و موانع موجود و همچنین مشکلاتی که در تولیدات سفال این منطقه وجود دارد، کرد و در راستای آن به تولید و ارتقای محصولات همسو با فرهنگ بومی نیز کمک کرد.

هویت بومی^۱

برای آشنایی بهتر با هویت بومی نیاز هست تا با مفاهیمی آشنا شویم که با شناخت مجموع آن‌ها به درک مفهوم هویت بومی پی ببریم. ریشه لاتین لغت هویت^۲ که "ایدنیتاس"^۳ است و از دو بخش "ایدم"^۴ به معنای همان و "انتیتاس"^۵ به معنای وجود و در مجموع به معنای "همان موجود بودن" است، دو معنای ظاهراً متفاوت همسانی و تمایز را دارد که این دو جنبه از هویت مکمل مفهوم آن هستند (تقوانی، ۱۳۹۱: ۲). هویت می‌تواند یک سری از ویژگی‌های بنیادی فرهنگی، اجتماعی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی یکسان در یک فرد باشد که باعث ایجاد تمایز با دیگران می‌شود (غضنفری و آرزو، ۱۳۹۸: ۵۰). به عبارتی قومیت^۶ به هویت‌شناسی یک گروه، بر اساس تفاوت‌های فرهنگی قابل درکی که یک گروه را به «مردم» تبدیل می‌کند، اشاره دارد، شایان توجه است که این شاخصه‌ها در ارزش‌ها، موسیقی، زبان، سبک‌ها، هنر، ادبیات، مناسک، مذهب، زندگی خانوادگی، زندگی عمومی و فرهنگ مادی تعریف می‌شوند. این معانی منحصراً گرداگرد معانی «جمعیت» به عنوان یک واقعیت عددی نمی‌چرخد، بلکه واژه «مردم» را نیز به عنوان یک نهاد فرهنگی که به نحوی جامعه‌ای منحصر به فرد است، در بر می‌گیرد (گروه نویسندگان دایرةالمعارف بریتانیکا، ۱۳۹۹: ۱۱۶). واژه گروه قومی در ادبیات انسان‌شناسی معمولاً دلالت بر مفهوم جمعیتی که ارزش‌های بنیادی فرهنگی ویژه‌ای دارد می‌باشد، همچنین دارای خودمختاری زیادی در بازتولید زیستی خود باشد و در درون اشکال فرهنگی با وحدت آشکاری گرد هم آمده باشند که آنها را از سایرین تفکیک کند (ضیایی، ۱۳۹۷: ۳۴). همچنین فرهنگ^۷ یا تمدن^۸، به مفهوم گسترده وسیع انسان شناختی آن، عبارت است از مجموعه‌ای کلی که دانش، اعتقاد، هنر، قانون اخلاقی، رسوم و هرگونه قابلیت‌ها و عادات دیگری را در بر می‌گیرد که انسان به عنوان عضوی از جامعه آنها را به دست می‌آورد، و در مفهوم گسترده عبارت است از دانش و اعتبار است که در میان گروه اجتماعی از یک نژاد و تبار به نسل دیگر منتقل می‌شوند (کولمن، واتسن، ۱۳۷۲: ۵). واژه اکولوژی^۹ به مفهوم ساده به معنای مطالعه روابط متقابل بین موجودات زنده و محیط زندگی آنهاست (<https://www.britannica.com>) و عبارت منظر^{۱۰} نیز ویژگی‌های مشهور یک ناحیه از زمین است که شامل عناصر فیزیکی فرم زمین، فرم آب‌ها از قبیل رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، عناصر زنده، پوشش زمین شامل پوشش گیاهی، عناصر ساخته شده به وسیله انسان‌ها شامل

کاربری‌ها، ساختمان‌ها، ساختارها و عناصر موقتی و گذرا از قبیل نور و شرایط آب و هوایی است (سیف‌الدینی، ۱۳۹۱: ۳). همچنین منظر آن قسمت از محیط است که ما در آن ساکن بوده و به وسیله ادراکاتمان آن را درک می‌کنیم (میرابی مقدم، ۱۳۹۵: ۲۲). مناظر بومی^{۱۱} نیز، چشماندازی طبیعی‌اند که در مسیر زمان با مداخلات جوامع بومی شکل گرفته‌اند و دارای مشخصه‌های مهم بومی منطقه هستند (احمدی، ۱۳۹۳: ۳۴). در این بین توسعه پایدار^{۱۲}، حاصل کنشگری بیشتر بومی و همراه با آگاهی تک تک افراد از موقعیت و وضعیت محیط خواهد بود، پس، نقش و تأثیر مردم و نحوه تفکر، و در واقع، فرهنگ و درک آنها از مسائل و موضوع‌های توسعه و محیط زیست است که باید اساس یک توسعه پایدار قرار گیرد (Barati, 1997: 71). همچنین در بررسی‌های انجام شده، در تعریف واژه اکولوژی منظر^{۱۳} آمده است: علم مطالعه و پیشرفت بخشیدن به روابط بین توسعه شهری و فرایندهای اکولوژیکی در محیط و در اکوسیستم‌های^{۱۴} خاص (سیف‌الدینی، ۱۳۹۱: ۲۱) و همینطور بوم‌شناسی فرهنگی^{۱۵} تلاش داشته است تا مفاهیم نظام و روابط بوم‌شناختی^{۱۶} را در مجامع انسانی به خدمت گیرد. معمولاً جوامع کوچک برای رفع همه یا اکثر نیازهای روزانه به منابع بومی خود متکی هستند (بتر بری، ۱۳۸۳: ۲۰۳). اگر حصول به پایداری در مرحله اول با استفاده مناسب از منابع سیاره زمین در ارتباط است، فرهنگ باید در مرکز استراتژی‌های توسعه قرار گیرد؛ چرا که فرهنگ ارتباط مردم با دیگران در جامعه و جهان اطرافشان است و نحوه رفتار افراد با این جهان پیرامون را چهارچوب‌بندی و تنظیم می‌کند (امور تحقیق و پژوهش کمسیون حقوق بشر اسلامی ایران، بررسی نقش فرهنگ در توسعه پایدار (با توجه به نتایج کنفرانس ریو). در واقع می‌توان گفت توسعه فرهنگی^{۱۷} به دنبال این است که با توجه به فرایند مدرنیته و مدرنیزاسیون، با یک رویکرد درونی و بومی و بهره‌مندی از پیامدهای مؤثر بیرونی توسعه، به شناخت عمیق باورها و ارزش‌های ملی و محلی فرهنگ جامعه‌ی خود بپردازد و با توجه به اهمیت به نگرش‌های ملی و محلی، از خلاقیت‌های انسان در جهت رشد میراث معنوی و فرهنگی خود در دنیای حاضر بهره‌برد و به اشاعه و تقویت آن دسته از رفتارهای فرهنگی که نشأت گرفته از ارزش‌های بومی و ملی است بپردازد تا بتواند فرهنگ خود را جهانی کند (ضیایی، ۱۳۹۷: ۳۶).

با توجه به تعاریف یاد شده مشخص است که یک گروه قومی دارای ارزش‌های بنیادی و فرهنگی با مناسک، مذهب، فرهنگ و ارزش‌های مشخص، مفهوم مردم، تمدن و فرهنگ را

می‌سازد. یکی از خاستگاه‌های این ارزش‌ها، رابطه بین موجود زنده و محیط زندگی او است که با توجه به فعالیت‌های عمدتاً بومی و آگاهانه، به توسعه پایدار منتهی می‌شود.

سفال تاریخی مازندران

آثار بدست آمده از سفالینه‌های مازندران بی‌شک روشی معمول در سده پنجم هجری و جزو برجسته‌ترین صنایع دستی ایران است، سفالینه‌های دوره میانه مازندران متشکل از سه گروه مختلف است که در نزدیکی سه شهر مختلف پیش از این یافت شده است. کاسه‌هایی با نقش پرندگان و برگ‌های شگرف در زیر لعاب چند رنگ که روی پوشش گلی سفیدی نقاشی شده، و همچنین تعدادی از گونه پاشیده تانگ از ساری به دست آمده است (پوپ، اکرم، ۱۳۸۷: ۱۷۷۷-۱۷۷۶). از ویژگی‌های صنعت سفالگری این منطقه می‌توان به نقوش سیاه با زمینه سفید، تزیین رنگارنگ، نقوش کنده، رابطه میان سفالگران با اقتصاد، مذهب، ادبیات و اسطوره اشاره کرد (کیانی، ۱۳۸۰). سفال قرمز با پوشش گلابه سفید بر آستر لعاب بی‌رنگ و شفاف و لکه‌های سبز رنگ و تزیینات اسگرافیتو که باعث ایجاد پس زمینه ای ارغوانی رنگ شده‌اند به آمل و مناطق اطراف آن نسبت داده شده‌اند (گروبه، ۱۳۸۴: ۱۱۵). ظروف سفالین آمل، بسیار شبیه ظروف نیشابور است. نقوش تزیینی شامل: تصاویر انسان، حیوانات و پرندگان، نقوش هندسی و گل و گیاهی است (رفیعی، ۱۳۷۸: ۱۵۵). در منطقه ساری سبک تزیینات متفاوت بوده که بیشتر شامل پرندگان به همراه خطوطی دایره وار در اطراف و جزییاتی به شکل نقطه بوده است، اما از نظر تکنیکی تفاوتی با نقاشی به وسیله گلابه ندارند (Watson, 2020: 144).



تصویر ۱. کاسه سفالین، لعاب‌دار، زیرلعابی، قرن ۶ ه. ق، مازندران، ساری. (www.davidmus.dk)

بر اساس پژوهش‌های بدست آمده در آثار سفالین مکشوف در منطقه باستانی گوهرتپه، نشان می‌دهد که بسیاری ظروف مذکور از نظر فرم و شکل، از تناسبات دقیقی برخوردار هستند و سفالگر در شکل دهی و طراحی و اندازه بدنه، دسته، آبریز گاه و گردن ظروف، ناخودآگاه به برخی نسبت‌های طلایی دست یافته است (اعظم زاده، ۱۳۸۸: ۶۵). گونه‌ای سفالینه سنگین با لعاب زرد چشمگیر را با حاشیه‌ای شامل نوارها یا طرح‌های ساده سبز رنگ، که غالباً با گره‌های زیبا یا شمشه‌های کنده زیر لعاب آراسته شده است، به شهر اشرف منسوب می‌کنند (پوپ، اکرم، ۱۳۸۷: ۱۷۷۶). در کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه کاخ سلطنتی کلاردشت در سال ۱۳۳۳، چند ظرف به شکل حیوانات (= ریتون) از گل پخته، کوزه‌های کوچک دسته‌دار و قوری‌های کوچک با آبریز به رنگ قرمز یافت شد که به ظروف سفالین تپه سیلک شباهت دارد (رفیعی، ۱۳۷۸: ۱۵۸). منابع موجود در رابطه با سفال تاریخی مازندران، بیشتر به بررسی سفال در مناطقی چون ساری و آمل پرداخته‌اند که اینک در مناطقی چون کلاردشت، اشرف و بهشهر نیز نمونه‌های قابل توجهی به دست آمده است. در مجموع می‌توان گفت منطقه مازندران به واسطه سفال تاریخی موجود در این منطقه دارای پیشینه غنی است که این امر بررسی سفال این منطقه را قابل اهمیت ساخته است.

سفال معاصر مازندران

برترین مراکز تولید آثار سفالی در مازندران، روستاهای کاسه‌گر محله، چمستان، هم صفا، رویان، روستای حربده محمودآباد و کلاگر محله در شهرستان جویبار است. بر اساس خاک رس این



تصویر ۲. بشقاب سفالین، چرخ ساز، اسگرافیتو، قرن ۶-۷ ه. ق، مازندران، موزه آبگینه (نگارنده).

زمین مجزا برای برداشت گل به ایشان داده شده است. آقای کوزه‌گر نیز در روستای هم صفا از توابع چمستان، به صورت سنتی به تولید محصول می‌پردازند، تولید سفال در کارگاه ایشان به صورت فصلی بوده و در فصل برنج‌کاری به فعالیت در زمین‌های کشاورزی مشغول هستند. تمامی مراحل ساخت توسط خود ایشان بوده است. همچنین تهیه گل، از جنگل‌های اطراف کارگاه ایشان صورت می‌گیرد. کوره این کارگاه نیز به صورت سنتی و چوب سوز است. آقای چینی ساز از دیگر افرادی هستند که از گذشته در این منطقه مشغول به ساخت اثر بوده‌اند، تولیدات ایشان مانند دو کارگاه قبلی انبوه نبوده است اما روش تولید، نحوه تهیه گل، کوره و چرخ مورد استفاده کاملاً مشابه کارگاه‌های خانواده محبی و آقای کوزه‌گر بوده است؛ عمده فعالیت ایشان در زمینه آموزش سفالگری با چرخ بوده است. تولیدات کارگاه آقای آهنگی در زمان بازدید از این کارگاه به دلیل شرایط موجود، متوقف شده بود. آثار تولیدی گذشته ایشان شباهت چندانی به سفال بومی و سنتی این منطقه نداشت. کارگاه آقای فکوری در روستای جویبار نیز در زمان حاضر محصولی تحت عنوان سفال بومی نداشته است؛ و صرفاً در گذشته محصولی تحت عنوان قندان تولید می‌کرده که این محصول نیز شباهتی به سفال بومی این منطقه نداشته است، البته در زمان بازدید از کارگاه تولید



تصویر ۴. کارگاه سفالگری آقای چینی ساز، روستای کلاگر محله، جویبار (نگارنده).

منطقه هم ظروف مصرفی و هم سفالینه‌های کاملاً تزئینی تولید می‌شود. سبک و روش تهیه سفالینه‌ها چرخ‌کاری است. چرخ سفالگری پایی و برقی در کارگاه‌های سفالگری وجود دارد (کیان، ۱۳۸۷: ۱۰۶). محصولات بدست آمده سفالی، بیشتر ظروفی مانند انواع کوزه آب، گلدان ساده و منقوش، ظروف غذاخوری (کاسه، بشقاب و لیوان) گودوش^۸، خمره، مجسمه‌های کوچک و بزرگ، پایه آباژور و... هستند که با توجه به بهبود کیفی آثار به بازار شهرهای دیگر نیز صادر می‌شود. در چالوس ساخت سفال بام بسیار رایج است که از نظر شکل ظاهری و همچنین رنگ لعاب نام‌گذاری می‌شوند (کیا کجوری، ۱۳۷۶: ۵۳).

در رابطه با سفال معاصر مازندران منابع کمی وجود دارد بنابراین نگارنده با مراجعه به منطقه مذکور به بررسی سفال این منطقه پرداخته است. در بازدید از این منطقه و پرسش از سازمان میراث فرهنگی در رابطه با کارگاه‌های سنتی، تنها شش کارگاه به عنوان کارگاه‌های سنتی فعال توسط این نهاد معرفی شدند. این کارگاه‌ها به صورت نسل به نسل اداره شدند و امروزه تنها سه کارگاه مشغول به فعالیت اصلی خود در زمینه تولید سفال بومی هستند. خانواده محبی در تنکابن، منطقه‌ای را تحت عنوان دهکده سفال اداره می‌کنند. این کارگاه دارای دو کوره بزرگ سنتی است و چرخ‌های سفال آن عمدتاً به صورت پایی است. تولیدات این کارگاه تماماً با گل قرمز منطقه و بدون لعاب بوده است. می‌توان گفت این کارگاه یکی از بزرگ‌ترین و فعال‌ترین کارگاه‌های سنتی منطقهٔ مازندران به حساب می‌آید که توسط افراد زیادی و به صورت خانوادگی اداره می‌شود. به دلیل ثبت این منطقه به عنوان دهکده سفال، تسهیلاتی همچون اختصاص



تصویر ۳. گلدان سفالین، عصر آهن، مازندران، احتمالاً گوهر تپه، موزه متروپولیتن. (www.metmuseum.org)

قبل و بعد از پخت دارای استحکام کافی نیستند و یا از لحاظ کیفیت برای اعمال لعاب مناسب نیستند. همچنین ترکیبات خاک و وجود ناخالصی و چسبندگی گل در مناطق مختلف متفاوت بوده است که این موضوع نیز در هنگام ساخت از نکات قابل اهمیت است. از دیگر ویژگی‌های بدنه در سفال تاریخی این منطقه وجود انگوب یا گلابه بر سطح ظروف بوده که به غیر از تزئین در ایجاد نقش و اعمال لعاب نیز تاثیر دارد.

ب. طرح و نقش: در سفال‌های تاریخی مازندران می‌توان نقوش بسیار ساده و خطی از پرندگان و گیاهان را بر زمینه نخودی و سبز رنگ مشاهده کرد و همینطور خطوطی به رنگ قهوه ای که در نتیجه خراشیدن پوشش نخودی رنگ به وجود آمده نیز در آن مشاهده می‌شود که مجموع این موارد ممکن است در نتیجه برداشت سازنده اثر از محیط (طبیعت) اطرافش باشد. در موارد محدودی نیز که در کارگاه‌های سنتی این منطقه مشاهده می‌شود، ظروفی بدون نقش یا با نقوش ساده هندسی وجود دارند که به گفته سازنده تلاش بر آن بوده است تا اثری با الهام از آثار تاریخی و طبیعت منطقه ساخته شود.

پ. تکنیک مورد استفاده: به لحاظ تکنیک‌های ساخت، همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، سفال تاریخی این منطقه دارای هویتی مخصوص به خود بوده‌اند که از آن جمله می‌توان به تکنیک اسگرافیتو اشاره کرد که در مناطقی همچون آمل و ساری نمونه‌های قابل توجهی از آن‌ها یافت شده است. در سفال امروز مازندران نیز سازندگان تلاش داشتند از این تکنیک بهره گیرند که البته کیفیت و نقش قابل مقایسه با آثار تاریخی نیست. همچنین استفاده از تکنیک نقش کنده و مشبک نیز از جمله ویژگی‌های سفال در کارگاه‌های سنتی این استان محسوب می‌شود.

ت: به لحاظ کاربرد ظروف: از جمله ویژگی‌های سفال مازندران را می‌توان در کاربردهای خاص این ظروف مشاهده کرد که از آن جمله می‌توان به قدره^{۱۹}، گومبکا^{۲۰}، دوشون^{۲۱}، گل لوه^{۲۲} و نمک شور^{۲۳} اشاره کرد و از آن‌ها به عنوان بخشی از ویژگی‌های هویتی سفال این منطقه نام برد که در گذشته نه چندان دور در خانه افراد محلی مورد استفاده قرار می‌گرفتند ولی امروزه کاربرد قبلی خود را از دست داده و یا به عنوان ظروف تزئینی مورد استفاده هستند. این ظروف عمدتاً با توجه به نیازهای افراد بومی و در جهت تهیه و تولید مواد غذایی ساخته شده‌اند.

با توجه به تحقیقات صورت گرفته و نتایج به دست آمده، وضعیت موجود در این منطقه به شرح زیر تقسیم‌بندی شده‌اند: الف. وضعیت سفالگران و کارگاه‌های سنتی در مازندران: از نکات

همین محصول نیز متوقف شده بود. می‌توان گفت این دو کارگاه صرفاً به خاطر فعالیت پدرانشان در گذشته، به عنوان کارگاه‌های سنتی یاد می‌شوند. در شهر چالوس خانواده قنبری در گذشته به تولید سفال سنتی منطقه مشغول بوده‌اند اما امروزه با راه اندازی کارخانه سفال سقف طبرستان عملاً از تولیدات سنتی خود کنار کشیده‌اند. علاوه بر کارگاه یاد شده تعداد زیادی کارگاه در این استان فعالیت دارند که توسط افراد بومی و غیر بومی اداره می‌شوند. روش‌های تولید و تجهیزات این کارگاه‌ها کاملاً امروزی است و حجم تولید و فروش آن‌ها در مقایسه با کارگاه‌های سنتی بسیار بالاتر بوده است.

هویت در سفال مازندران

پس از روشن شدن معانی نظیر هویت و فرهنگ و قوم و منظر و همچنین شناخت سفال تاریخی و معاصر مازندران، می‌توان هویت بومی در منطقه مازندران را در مواردی همچون موسیقی، ادبیات، غذا، گویش و مناسک این منطقه را بررسی کرد. در موسیقی با وجود سازهای محلی همچون لَله وا، قرنه، دِسَرکوتن و همچنین در ادبیات با وجود شاعرانی نظیر طالب آملی، شیخ العجم امیر پازواری (معروف به امیر مازندرانی) قابل استناد است. استمرار این امر در زمینه‌های دیگر همچون گویش مردمان آن و تنوع غذایی (که در ارتباط مستقیم با پوشش گیاهی منطقه بوده) دیده می‌شود.

به دلیل وجود دریا، رودخانه‌ها، آب و هوای مختص به این منطقه، پوشش گیاهی و همچنین عناصر غیر طبیعی همچون معماری که در طول زمان توسط قشر بومی این ناحیه ایجاد شده است که کاملاً متفاوت با سایر مناطق ایران است.

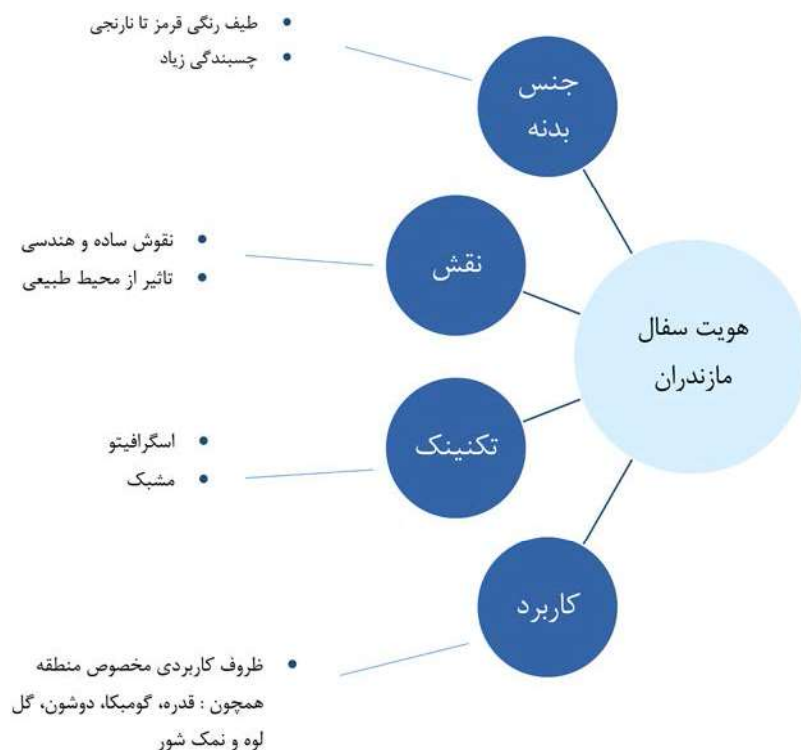
مفاهیم هویت را در سفال مازندران، می‌توان در چند مورد بررسی کرد:

الف. به لحاظ خاک و بدنه مورد استفاده: رنگ بدنه در سفال‌های مازندران از جمله مواردی است که می‌تواند نشان‌دهنده هویت سفال این منطقه باشد. در طی انجام پژوهش، خاک مناطق مختلف از این استان به عنوان نمونه جمع‌آوری شد که طیف‌های مختلفی از قرمز تا نارنجی را بعد از پخت نشان می‌دهد که این امر به واسطه وجود آهن در خاک است. این ویژگی یکی از عوامل اصلی تفاوت سفالینه‌های این منطقه از سایر مناطق شاخص سفال ایران همچون لاله‌جین است. اما نکته قابل توجه، کیفیت این خاک‌هاست که در ساخت اثر توسط هنرمندان هر منطقه تأثیر مستقیم داشته است. به عنوان نمونه بعضی از بدنه‌ها

دست ساز را ندارد این در حالی است که در نسل های گذشته این سفالگران ساخت کوره توسط خود سفالگر صورت می گرفت اما امروزه هنرمند برای ساخت آن متحمل هزینه بالای ساخت کوره توسط افراد متخصص شده است. همچنین ناآشنایی بعضی سفالگران نسبت به لعاب در ساخت بدنه موجب کاهش خریداران و دامنه استفاده از این محصولات شود که به عبارتی غیر قابل مصرف گردند. شواری های اقتصادی و معیشتی و همچنین تاثیرپذیری از سفالگران مهاجر، در مواردی سبب شد تا سفالگران علی رقم میل باطنی به تولید محصولاتی با صرفه اقتصادی و نیاز بازار پردازند که بروز این مسئله در کارگاه های سنتی موجب محصولاتی کاملاً بی هویت گردیده است.

ب. شناخت ناکافی سفالگران از هویت بومی منطقه: اکثر سفالگرانی که از دیگر مناطق ایران به این ناحیه آمده اند به دلایل ناآشنایی نسبت به هویت این مرز و بوم موجب تولید آثاری شدند که با هویت بومی منطقه مغایرت دارد. این عدم آگاهی موجب نشان دادن هویتی خارج از هویت مازندران به مخاطبان می شود.

مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد، بازبینی وضعیت سفالگران سنتی و نوع عملکرد و محیط کارگاه های ایشان است. چرا که این هنرمندان با عملکرد مناسب و تولید اثر در راستای هویت بومی می توانند تاثیر زیادی بر سلیقه مخاطبان داشته باشند. مخارج زیاد تولید و کوتاهی نهادها و سازمان ها مربوطه به این کارگاه ها، که باعث بسته شدن کارگاه ها و بیکاری بسیاری از سفالگران سنتی در این ناحیه شده است. از دیگر مشکلات اساسی کمبود امکانات کارگاهی و معضل و مشکل در آماده سازی مواد برای ساخت یک اثر است. بر پایه تحقیقات انجام شده از میان ۲۸۰ کارگاه شرکت کننده در مصاحبه تنها تعداد ۶ کارگاه به تولید محصولات خود به شیوه های سنتی و با مواد و مصالح بومی مشغول هستند، که مشکلات موجود هر لحظه می تواند منجر به تعطیلی این کارگاه ها شود. سفالگران کارگاه های سنتی اغلب با روش ساخت لعاب یا ساخت کوره های دست ساز و مواردی از این دست آشنایی نداشتند. در بازدید از این کارگاه ها مشاهده شد که خود هنرمند به تنهایی توانایی و دانش ساخت یک کوره



نمودار ۱. هویت در سفال مازندران (نگارنده).

مازندران: با بررسی‌های انجام شده نمایان شد که آثار سفالی این منطقه تقدم خرید هیچ یک از شرکت‌کنندگان در پرسشنامه نیست که از دلایل آن ناآشنایی عموم جامعه با این دسته از محصولات را دانست. این امر برای سرزمینی که تا این حد دارای تنوع فرهنگی و زیست محیطی بوده به نظر عجیب می‌آید. در میان فروشندگان نیز مشاهده می‌شود که علاوه بر عدم شناخت این نوع محصولات هیچ آشنایی با هنرمندان این عرصه نیز وجود ندارد و با صحبت‌های انجام شده و معرفی این آثار توسط پژوهشگر نیز تمایلی به خرید این آثار و عرضه آن به مشتری نشان داده نشده است. این امر در حالی رخ داده است که می‌توان در این فروشگاه‌ها شاهد فروش محصولات سرامیکی سایر استان‌های ایران و حتی استان‌های همجوار همچون گیلان بود، بروز این امر را در میان سبب خریداران نیز می‌توان مشاهده کرد. تا پیش از انجام پژوهش تصور بر آن بود که در استان مازندران ظرف سفالی با کاربردی خاص که مخصوص این منطقه باشد وجود ندارد اما در طی پژوهش، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد پس از انجام مصاحبه با سفالگران سنتی و بومی منطقه، با موارد جالبی از این دست آشنا شده که در صورت باز تولید، می‌توانند مورد توجه مصرف‌کنندگان قرار گیرند. از دیگر مسائل می‌توان به فروش محصولات سرامیکی توسط افراد غیر متخصص و غیر بومی اشاره کرد، برای مثال در بازدید از یکی از فروشگاه‌های تخصصی صنایع دستی در شهر بابل پس از انجام مصاحبه مشخص شد که فروشندگان

از دیگر دلایل این امر، ناآشنایی سفالگران بومی از هویت و تاریخچه سفال مازندران است. طی مصاحبه‌های انجام شده با افراد بومی این منطقه، بسیاری از افراد در پاسخ به این پرسش که آیا با هنر بومی و پیشینه سفال مازندران آشنایی دارند یا خیر، پاسخ مشابه افراد غیر بومی را داشتند یعنی آشنایی ناکافی یا عدم تمایل به استفاده از این روش برای تولید انبوه محصولات خود هستند. ب. شناخت ناکافی خریداران محصولات سرامیکی از هویت بومی



تصویر ۵. کوره سنتی نیمه‌کاره، کارگاه آقای چینی‌ساز، روستای کلاگر محله، جویبار (نگارنده).



تصویر ۷. اثر آقای فکوری، مازندران؛ جویبار. (نگارنده)



تصویر ۶. لعاب دارای ایراد از نظر بهداشتی، کارگاه خانواده محبی، روستای سلیم‌آباد، تنکابن (نگارنده).

جدول ۱. چالش‌های تولید سفال در منطقه مازندران (نگارنده).

چالش‌های تولید	- کمبود امکانات کارگاهی مناسب برای هنرمندان سنتی - عدم استفاده از ظرفیت‌ها و منابع موجود در منطقه در ساخت سفال - کمبود منابع اولیه تولید و استفاده از مواد و مصالح غیر بومی
چالش منابع انسانی	- مهاجرت افراد غیر بومی و عدم آشنایی با هویت بومی مازندران - شناخت ناکافی هنرمندان بومی از سفال بومی و تاریخی مازندران - شناخت ناکافی هنرمندان سنتی از تکنیک‌های ساخت و تزئین بدنه در جهت کمک به افزایش تولید و فروش محصول - فقدان آموزش ارزش هویت بومی در دانشگاه‌ها
چالش‌های مدیریت	- نبود برنامه‌ریزی صحیح در سازمان‌های مسئول همچون میراث فرهنگی برای افزایش آگاهی نسبت به شناخت هویت مازندران - عدم حمایت مالی از کارگاه‌های سنتی
چالش‌های فروش	- شناخت ناکافی خریداران و فروشندگان نسبت به محصولات بومی منطقه - فقدان رقابت پذیری کارهای بومی با سایر محصولات - شناخت نادرست هنرمند از بازار فروش و عرضه کالا

این کارگاه‌ها با سفال دیگر نقاط ایران تفاوتی نداشته باشد. از طرف دیگر چون در میان خریداران غیر بومی و یا مهاجر حس تعلقی به این منطقه دیده نمی‌شود، در نتیجه رفتار درستی هم در برخورد با هویت این منطقه از خود نشان نمی‌دهند که این امر خود می‌تواند بر هویت و فرهنگ منطقه تأثیر منفی داشته باشد. در این میان، آموزش صحیح در دانشگاه‌ها به جهت شناساندن ویژگی‌های فرهنگی و قومیتی و اکولوژی منطقه می‌تواند کمک بزرگی به این امر داشته باشد.

قابل توجه است که مشکلات ذکر شده در زمینه سفال بومی مازندران فقط قسمتی از بحران هویتی بزرگی است که در این منطقه اتفاق افتاده و با آن درگیر بوده؛ این منطقه به لحاظ قومیت و اکولوژی و مناظر بومی نیز دچار مشکلات فراوانی بوده که از آن جمله می‌توان به نابودی زمین‌های کشاورزی، از بین رفتن منابع طبیعی همچون رودخانه‌ها و جنگل‌ها، تغییر در فرهنگ عامیانه مردم، فراموشی زبان مادری، از بین رفتن معماری بومی و مواردی از این دست اشاره کرد. مشکلات یاد شده همچون زنجیره‌ای به هم پیوسته بر یکدیگر تأثیرگذار هستند و حل این مشکلات مستلزم بهبود و تغییر شرایط در سایر ارکان هست. همانطور که مشاهده می‌شود افزایش مهاجران به منطقه مازندران، تغییر نسل و عواملی این چنین، از جمله مهم‌ترین دلایلی هستند که باعث تغییر در ساختار فرهنگی، هویتی، قومیتی و اکولوژی این منطقه شده‌اند، که آسیب‌های موجود در زمینه تولید سفال بومی تنها بخشی از آن را در بر می‌گیرد.

بخش محصولات سرامیکی نه تنها با این هنر آشنایی ندارند بلکه بومی این منطقه نیز نیستند و در نتیجه شناختی نسبت به اکولوژی منطقه و فرهنگ و هویت مازندران و همچنین هنرمندان بومی و سنتی منطقه و آثارشان ندارند. متأسفانه به دلیل عدم همکاری این افراد تصویری از این مراکز فروش در دست ناست.

نتیجه‌گیری

بازبینی و پژوهش انجام شده در این پویه، در خصوص بررسی تولیدات کارگاه‌های مازندران از منظر هویت بومی نشان‌دهنده این امر است که تولید این محصولات با مشکلاتی مواجه هستند. منطقه مازندران با توجه به مواردی که پیش‌تر گفته شد دارای هویت غنی است، با وجود چنین شرایطی انتظار می‌رود وقتی شخصی از اصالت مازندرانی برخوردار است حداقل به مقدار اندک با این هویت آشنا باشد و آن را در آثارش بروز دهد، در حالی که عملاً این اتفاق نمی‌افتد و ما شاهد چنین رفتاری از این افراد نیستیم. در خصوص موضوع این پژوهش، شاهد مشکلاتی در روند تولید سرامیک این منطقه هستیم که از آن جمله می‌توان به بروز پدیده‌هایی همچون افزایش سفالگران غیر بومی در این منطقه، کمرنگ شدن نقش سفالگران سنتی منطقه و کاهش فعالیت آنان در جهت تولید محصولات بومی، افزایش تولید محصولاتی با هویت غیر از هویت منطقه مازندران، تغییر ذائقه خریداران و میل به خرید محصولات فاقد هویت بومی مازندران اشاره کرد. مجموع این موارد سبب شده تا سفال تولید شده در

پی‌نوشت‌ها

1. Indigenous identity
2. Identity
3. Identitas
4. Idem
5. Entities
6. Ethnic group

7. Culture
8. Civilization
9. Ecology
10. Landscape
11. Indigenous landscapes
12. Sustainable Development

13. Landscape ecology
14. ecosystem
15. Cultural ecology
16. Ecological
17. Cultural development

۲۱. ظرف مخصوص تولید کره
۲۲. ظرف مخصوص درست کردن ماست
۲۳. ظرف مخصوص نگهداری نمک

۱۸. ظرفی برای دوشیدن گاو
۱۹. کاسه آش
۲۰. ظرف مخصوص نگهداری نیشکر

فهرست منابع

- اعظم‌زاده، محمد (۱۳۸۸). تناسب و زیبایی در ظروف سفالی منطقه باستانی گوهرتپه بهشهر (مازندران)، فصلنامه علمی نگره، صص. ۶۰-۶۹.
- احمدی، فریال (۱۳۹۳). روش‌شناختی مرمت منظر گستره‌های طبیعی در ایران با تأکید بر رویکرد اکولوژی منظر، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری.
- امور تحقیق و پژوهش کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، بررسی نقش فرهنگ در توسعه پایدار (با توجه به نتایج کنفرانس ریو).
- بتربری، سایمون (۱۳۸۳). بوم‌شناسی فرهنگی و منتقدین آن، هنر و معماری، شماره ۵۹، صص. ۲۰۳-۲۰۷.
- پوپ، آرتور، اکرم، فیلیس (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، جلد چهارم، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگ.
- تقوانی، سیدحسین (۱۳۹۱). از سبک تا هویت در معماری، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۲، تابستان، صص. ۶۵-۷۳.
- رفیعی، لیلا (۱۳۷۸). سفال ایران: از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر، تهران: انتشارات یساولی.
- سیف‌الدینی، فرانک (۱۳۹۱). منظر شهری، تهران: نشر آبیژ.
- ضیایی، مجید (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی فرایند طراحی و تولید سفال بومی در ایران از منظر زیست محیطی؛ مطالعه موردی سفال گیلان، رساله دکتری دانشگاه شاهد.
- غضنفری، پیمان؛ آرزو، آزاده (۱۳۹۸). تجلی فرهنگ و هویت بومی مازندران در بناهای شاخص، نمونه موردی: بوستان ولایت، شهر ساری، نشریه هنر و معماری: مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری، دوم، شماره ۱، جلد یک، صص. ۴۷-۶۰.
- کولمن، سیمون، واتسون، هلن (۱۳۷۲). درآمدی به انسان‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر سیمرخ.
- کریمی، فاطمه؛ کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۴). هنر سفالگری دوران اسلامی، چاپ اول، تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.
- کیا کجوری، داریوش (۱۳۷۶). سفال و سفالگری در شهرستان چالوس، مجله دست‌ها و نقش‌ها، سازمان صنایع دستی، شماره پنج.
- کیان، مریم (۱۳۸۷). سفال ایران، تهران: نشر دایره.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۸۰). سفال ایرانی، چاپ اول، تهران: نخست‌وزیری.
- گروبه، ارنست، (۱۳۸۴). سفال اسلامی مجموعه ناصر خلیلی، ترجمه فرناز حایری، تهران: نشر کارنگ.
- گروه نویسندگان دایرةالمعارف بریتانیکا (۱۳۹۹). انسان و فرهنگ، درآمدی بر انسان‌شناسی، ترجمه زهره دودانگه، نشر انسان‌شناسی.
- میرابی مقدم، مهنوش (۱۳۹۵). سنجش فضاهای سبز مجتمع‌های مسکونی با تأکید بر رویکرد اکولوژی منظر شهری (مطالعه موردی: شهر رشت)، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات.
- Barati, Nasser (1997). Holistic Reading into the Structure of the Environment. *Ph.D.thesis*. Heriot-Watt University, Edinburgh College of Art, Faculty of Environmental Studies, Department of Architecture, Edinburgh. U.K.
- Watson, Oliver (2020). *Ceramic of Iran*, Yale University. www.britannica.com, 10:17, 7.9.2019
- www.metmuseum.org
- www.davidmus.dk
- <https://ifpnews.com>